

نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان پیدا شد!



یک عضو کمیته گزینش: چهارشنبه کار کمیته گزینش آغاز می‌شود



در برگ‌ها

پیامدهای فراموشی توافق‌نامه سیاسی

بحران آب در سیاره آبی

بررسی مقون عرفانی در سده‌های ۵ و ۶ هجری

عضو تیم ملی تکونو: واسطه‌داران به مسابقات جهانی راه می‌یابند

په اروپا کې د افغان کډوالو پر وضعیت خبرې وشوې

تامین، سولې ټینګښت او اقتصادي غوړېدې لپاره له مشخصو برنامو او غوښتنو سره کېدون کوي او هیله لري، چې د ناروې شاهي دولت په دې مهمو غونډو کې د افغانستان د دولت د دريځ ملاتړ وکړي.

د ناروې د شاهي دولت د بهرنیو چارو وزارت مرستیال ښاغلي توري هاترم و ویل، چې هېواد یې د کډوالو د ستونزې د هوارې لپاره د افغانستان د دولت د پروګرامونو ملاتړ کوي او د بروکسل او وارسا په کنفرانسو کې به د افغان دولت د غوښتنو او برنامو د ملاتړ لپاره د نورو اروپایي او ناتو غړو هېوادونو د ملاتړ د راخپلولو په برخه کې هم هلې ځلې وکړي. په دې لېدنه کې پر یو شمېر نورو دوه اړخیزو مسایلو هم خبرې وشوې.



داسې یوې برنامې کار کوي، چې ترڅ کې یې د افغانستان په د ننه کې د کډوالو عوامل له منځه لاړ شي. د ملي امنیت سلاکار و ویل، چې افغان دولت د بروکسل او وارسا په کنفرانسونو کې، په افغانستان کې د امنیت

د ملي امنیت سلاکار د ناروې د بهرنیو چارو له مرستیال وزیر سره وکتل. د افغانستان د اسلامي جمهوریت د ملي امنیت سلاکار محمد حنیف اتمر د ناروې د شاهي دولت د بهرنیو چارو له مرستیال وزیر ښاغلي توري هاترم سره وکتل.

په دې لېدنه کې د دواړو هېوادونو د اړیکو پر پراختیا او په اروپا کې د افغان کډوالو پر وضعیت خبرې وشوې. د ملي امنیت سلاکار په تېرو دپارلسو کلونو کې د افغانستان د پولیسو د ځانګړي ځواک په روزلو او له افغانستان سره په نورو برخو کې د ناروې د شاهي دولت د مرستو مننه وکړه او زیاته یې کړه، چې افغان دولت له ټولو اروپایي هېوادونو سره د افغان کډوالو په اړه په

برخی اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی و مسوولان شبکه اکسین: دولت در تطبیق بسته پیشنهادی سهل‌انگاری می‌کند



نظام انتخاباتی، گفت: فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد کمیته گزینش خلاف ماده ۱۵۲ قانون اساسی کشور است، ماده ۱۵۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که ریس جمهور، وزراء...

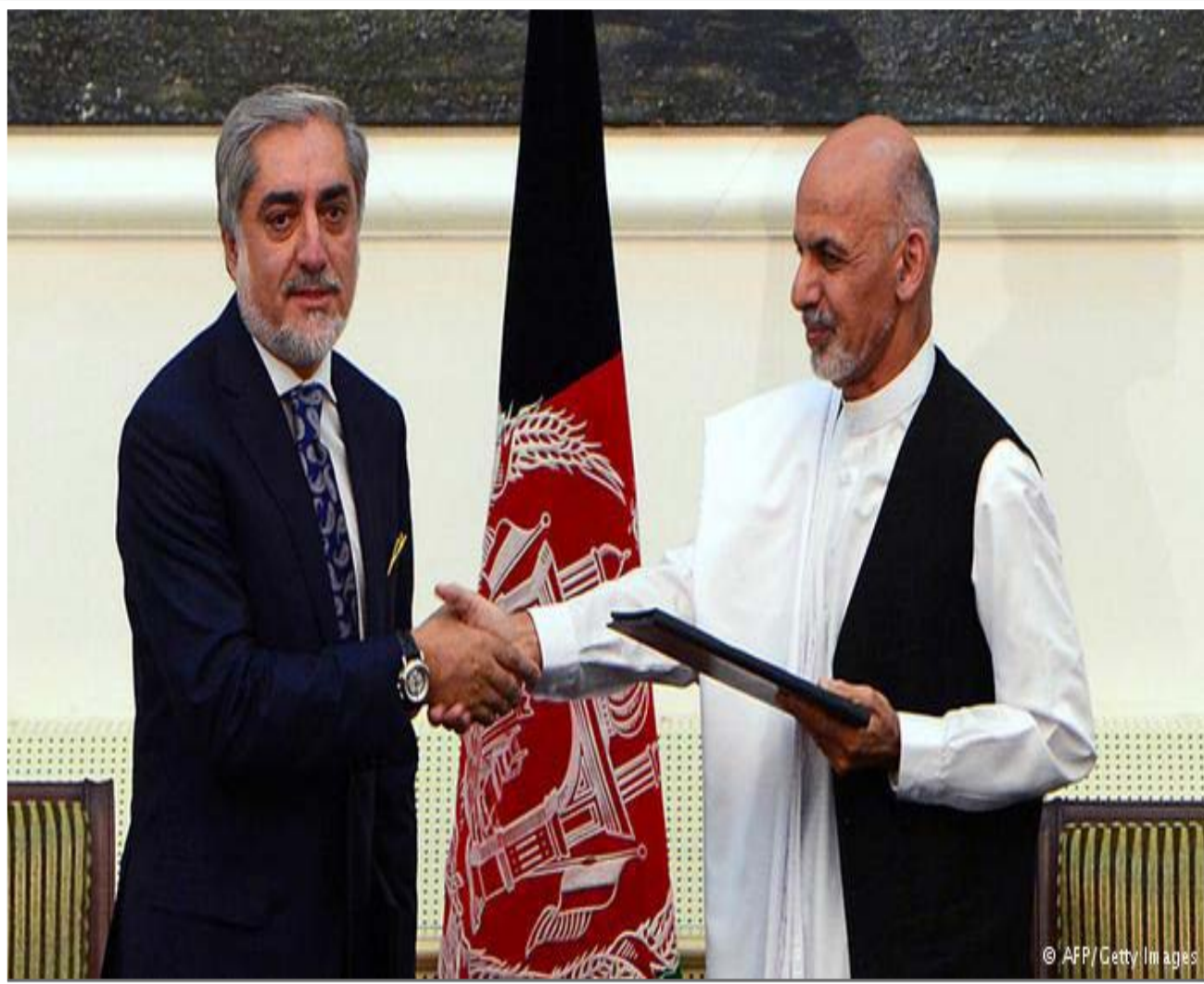
سرنوشت بلخ در پرتو عقلانیت سیاسی



صحنه ۹

احمد عمران

پیامدهای فراموشی توافق نامه سیاسی



© AFP/Getty Images

روانی و جسمانی نامناسبش بود. او تنها یاد گرفته است که وعده‌های بی‌پشتوانه و واهی به مردم ارایه کند؛ وعده‌هایی که احتمال تحقق آن‌ها نه تنها در آینده نزدیک میسر نیست، بل در آینده‌های دور نیز به سرمایه‌های هنگفت نیاز دارد.

در چنین شرایطی، رهبران دولت وحدت ملی موفق نشده اند که حتی یک بار دیگر پس از درگیری‌های انتخاباتی، به توافق نامه سیاسی مراجعه کنند و وظایف خود را از درون بیرون بکشند. آقای غنی فکر می‌کند که با دور زدن توافق نامه سیاسی می‌تواند به تنهایی حکومت کند و یا به شکلی، آقای عبدالله را راضی سازد که با تغییرات جزئی در ساختار حکومت، همچنان در قدرت باقی بماند. ولی این‌ها فقط طرح‌های عبث و بدون پشتوانه اجرایی اند.

رهبران دولت وحدت ملی باید بدانند که با گذشت و عدم توجه به اجرای توافق نامه سیاسی، هر روز به لبه پرتگاه نزدیک می‌شوند و خود و مردمی را که به دنبال خود می‌کشند، به مرگی اجتناب‌ناپذیر محکوم می‌کنند. شاید آقای غنی فکر می‌کند که می‌تواند بر مشکلات با توجه به حضور نیروهای خارجی فایز آید و برای چند سال آینده تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در قدرت باشد؛ ولی این فقط خیال باطل بوده می‌تواند.

هیچ ضمانتی وجود ندارد که جامعه جهانی از طرح دور زدن توافق نامه سیاسی که خود یکی از طراحان اصلی آن بوده، حمایت کند؛ زیرا حمایت از دولت وحدت ملی که پس از ماه سنبله از مشروعیت می‌افتد، به معنای حمایت از یک دولت نامشروع می‌تواند باشد. از جانب دیگر، هیچ اراده و تصمیمی در رهبران دولت وحدت ملی دال بر اجرای توافق نامه سیاسی نمی‌توان دید.

در چنین شرایطی که روزهای دشوار در پیش است، بر نخبه‌گان جامعه است که به الترناتیف دولت فعلی فکر کنند و راه‌حل مناسبی را برای وضعیت آینده پیشنهاد دهند.

مشکل مشروعیت نظام به صورت همه‌جانبه حل شود. دولت افغانستان به هیچ یک از این تعهدات خود عمل نکرده و عملاً توافق نامه سیاسی را زیر پا گذاشته است.

در ظرف یک‌و‌نیم سال گذشته، رهبران دولت وحدت ملی که تازه قدرت سیاسی را تجربه می‌کردند، چنان از بادهٔ آن احساس سرمستی کردند که از یاد بردند برای چه قدرت سیاسی در افغانستان در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. این فراموشی، تبعات ناگواری خواهد داشت و از همین حالا پیامدهای آن را در فضای سیاسی و اقتصادی کشور می‌توان احساس کرد.

آقای غنی به عنوان دومین مغز متفکر جهان (!) نه تنها موفقیتی در عرصهٔ دولت‌داری نداشته، که ناکامی‌های بزرگی را نیز نصیب شده است. امروز، وضعیت افغانستان به مراتب پیچیده‌تر و بحرانی‌تر از یک و نیم سال گذشته است. البته این نباید به معنای مهر تأیید گذاشتن به کارنامهٔ دولت پیشین تلقی شود. در ایجاد بحران فعلی، به اندازهٔ کافی دولت پیشین مقصر است و آقای کرزی میراث شومی را به اخلاف خود باقی گذاشت؛ ولی با این‌همه، نباید نسبت به بی‌کفایتی و عدم مدیریت رهبران تازه غفلت صورت گیرد. آن‌ها بدون شک دولتی متلاشی و فاسد را به میراث بردند، اما نتوانستند که آن را تغییر دهند.

رهبران دولت وحدت ملی با این شعار وارد عرصهٔ سیاسی کشور شدند که تغییر ایجاد می‌کنند، اما حالا مشخص شده که آن‌ها هیچ فهمی از تغییر نداشته‌اند. آقای غنی به عنوان رئیس جمهوری کشور به ساده‌ترین سوال‌های جامعه نمی‌تواند پاسخ دهد. وضعیت جسمانی و روانی او برای رهبری کشوری با مشکلات عدیده و توان‌فرسا، مساعد نیست و او را به ساده‌گی از کوره بیرون می‌کنند. موضع‌گیری او در برابر مهاجران افغانستان نه تنها عقلانی نبود، بلکه به شدت احساسی و برآمده از وضعیت

بر اساس توافق نامهٔ سیاسی، دولت وحدت ملی برای دو سال مشروعیت دارد. این مشروط در ماه سنبله امسال به پایان می‌رسد. سران دولت وحدت ملی باید تا زمان رسیدن به این تاریخ، لویه جرگهٔ تعدیل قانون اساسی را برگزار کرده و سرنوشت حاکمیت را مشخص سازند. سوال این‌جاست که آیا ظرف پنج ماه آینده این اتفاق خواهد افتاد؟ و اگر این اتفاق نیفتد، چه سرنوشتی در انتظار افغانستان خواهد بود؟

دولت وحدت ملی مشروعیت خود را از سندی می‌گیرد که میان دو تیم انتخاباتی به امضا رسید و منجر به ایجاد دولت وحدت ملی شد. در آن زمان، انتخابات چنان در حالیهی از تقلب‌ها و جعل‌کاری‌ها قرار گرفته بود که کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب موفق به بیرون کردن آرای سره از ناسره نشد. به همین دلیل، دور دوم انتخابات هم به نتیجه نرسید و برای بیرون‌رفت از بن‌بست، طرح ایجاد دولت وحدت ملی در دستور کار قرار داده شد.

این واقعیت را نباید از یاد برد؛ چرا که آیندهٔ سیاسی افغانستان، در گرو این واقعیت قرار دارد. اگر کسانی فکر کنند که حالا دیگر به منزل مقصود رسیده اند و می‌توانند بر وضعیت چیره شوند، اشتباه بزرگ تاریخی را مرتکب می‌شوند که پیامدهای آن به صورت جدی موجودیت افغانستان را به خطر خواهد انداخت.

در بیشتر از یک‌و‌نیم سال گذشته، دولت وحدت ملی باید کارخانه‌گی‌های خود را به صداقت و ایمان‌داری کامل برای بقای افغانستان متحد و یک‌پارچه انجام می‌داد. این کارخانه‌گی‌ها عبارت بودند از: اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه که بتواند باعث جلب اعتماد مردم به روند مردم‌سالاری در کشور شود و برگزاری لویه جرگهٔ قانون اساسی که در پرتو آن، تعدیلات در قانون اساسی صورت گیرد و

سخن‌ماندگار

باز هم بازی با شناس‌نامه‌های برقی

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری کشور اعلام کرده که کمیتهٔ قوانین کابینهٔ دولت، مادهٔ جنجالی قانون ثبت احوال نفوس را تغییر داده و در صورت تصویب شورای ملی، توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی آغاز خواهد شد.

در صفحهٔ رسمی فیس‌بوک معاون رئیس‌جمهوری آمده است که در جلسهٔ روز یکشنبه، ۱۵ حمل کمیتهٔ قوانین، این قانون مورد بحث و تعدیل قرار گرفته است. همچنین افزوده شده که بر اساس اعتراض گروه‌های مختلف اجتماعی، طرح تعدیل مادهٔ ششم قانون ثبت احوال نفوس، تهیه شده و با اضافه شدن «ملت» و «قوم» در متن قانون و در صفحهٔ اول شناس‌نامه، می‌توان به مشکل توزیع شناس‌نامه‌های برقی خاتمه بخشید.

آقای دانش ذکر کرده که پس از تصویب تعدیل این ماده توسط شورای ملی افغانستان، روند تطبیق قانون ثبت احوال نفوس و توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی آغاز خواهد شد. همچنین بر اساس اعلام دفتر ارتباط مردمی آقای دانش، وزارت داخله و وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی نیز برای اجرای این قانون و روند توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی آماده‌گی کامل دارند.

از زمان مطرح شدن بحث شناس‌نامه‌های برقی تا اکنون، این پروژه با مشکلات و دشواری‌های فراوانی همراه بوده است؛ اما هر بار پس از چندین کش‌و‌گیر و اختلاف، توافق حاصل و احساس شده که موانع به پایان رسیده‌اند و توزیع عملی این شناس‌نامه‌ها کلید خواهند خورد؛ چنان‌که بارها مقامات از توزیع شناس‌نامه‌های برقی خبر دادند، اما هر بار این وعده‌ها به تعویق افتادند.

در این میان، روزنامهٔ ماندگار به کرات گفته بود که ریاست‌جمهوری اراده‌ی به توزیع شناس‌نامه‌های برقی ندارد و همهٔ بازی‌ها به هدف ناکامی این پروژه و انصراف از آن و یا توزیع آن به میل دستگاه حاکم بر افغانستان صورت می‌گیرند. اکنون نیز آن‌چه معاون دوم ریاست‌جمهوری (اضافه شدن «ملت» و «قوم» در متن قانون و در صفحهٔ اول شناس‌نامه) خبر داده است، یک بازی دیگر با این پروژه به حساب می‌آید. زیرا در چند سال گذشته، به قدر کافی نویسنده‌گان و آگاهان امور، پیرامون حساسیت موضوع توضیح دادند و خواسته‌های برحق مردم را با ادله‌های روشن و مستحکم ارایه کرده و به گوش ریاست‌جمهوری رساندند؛ تا جایی که آقای غنی قانون ثبت احوال نفوس را که بدون ذکر کلمهٔ «افغان» توسط هر دو مجلس پاس شده بود، توشیح کرد و این قانون در جریدهٔ رسمی به نشر رسید. اما از آن روز به بعد، آقای رئیس‌جمهور به شدت زیر فشار حلقه‌های قوم‌گرا و برتری‌طلب قرار گرفت و هر بار، سنگی پیش پای تطبیق این قانون گذاشته شد. این حلقه‌ها که خواهان تحمیل واژهٔ افغان (پشتون) بر تمامی اقوام ساکن در کشور بودند و هستند، اکنون با اضافه کردن «ملیت» بر پیشانی شناس‌نامه‌های برقی، می‌خواهند آرمان برتری‌خواهی قومی خویش و حذف هویت‌های قومی سایرین را تأمین کنند؛ به این ترتیب که ملیت همهٔ ساکنان افغانستان، «افغان» درج شود و بعدتر، اسم قوم هر شهروند ذکر گردد. اما چنان‌که در فرهنگ علوم سیاسی آمده است، ملیت معنای «تابعیت» و «هویت ملی» را می‌دهد و از آن‌جایی که همهٔ ما در کشوری به نام افغانستان زنده‌گی می‌کنیم، ملیت همهٔ ما افغانستانی - نه افغان! - است. پس هیچ نیازی به ذکر ملیت نیست و به‌طور طبیعی و بدیهی، هر فردی که چنین شناس‌نامه‌ی را اخذ می‌کند، ملیت افغانستانی دارد. اما ذکر هویت قومی افراد برای رسیدن به یک هویت ملی واقعی و تشکیل یک جامعهٔ متساهل، ضروری و ناگزیر است.

آقای غنی باید بداند که دنیا از استبداد و قبیله‌گرایی و حذف هویت‌ها به سوی مدارا، پلورالیسم و کثرت‌باوری گذار کرده و بدون شک این مولفه‌ها اکسیر آرامش در دنیای مدرن‌اند. نادیده انگاشتن برخی هویت‌ها و تلاش برای تحمیل یک هویت در دنیای پُر از آگاهی امروز، کاری شبیه انتحار است که فاعل آن، خود را با موجی از اصطکاک و مقاومت آتش‌زا مواجه می‌سازد.

افغانستان خانهٔ مشترک همهٔ هویت‌ها و اقوام ساکن در آن است. در این خانه، همهٔ حق تنفس و ابراز وجود دارند و حذف یک هویت در واقع سلب حیات سیاسی و اجتماعی از دارندگان آن هویت است و در چنین صورتی، این خانهٔ مشترک یا ویران می‌گردد یا تجزیه می‌شود.

امیدواریم آقای غنی این نکته را با تمام هوش و حواس دریابد و به تطبیق قانون توشیح‌شدهٔ ثبت احوال نفوس، خلاف خواست تمامیت‌خواهان قومی، همت گمارد.

نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان پیدا شد!

گفت و گو با زکریا اصولی، تدوین کننده نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان



گفت و گو کننده: هارون مجیدی

اشاره: دست‌برد و جعل در قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۴ جدی ۱۳۸۲ یکی از بحث‌های عمده در سال‌های پسین بوده که همواره از نشانی‌های مختلف مطرح شده و ادعاهایی وجود دارد مبنی بر این که قانون اساسی توشیح شده توسط حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان، نسخه اصلی نیست و موارد زیادی از آن مورد دست‌برد قرار گرفته است.

به تازه‌گی زکریا اصولی یکی از نویسندگان افغانستانی همت به خرج داده و حاصل تحقیقات پیوسته خود را که نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان می‌باشد، به چاپ رسانده است.

این نسخه قانون اساسی که شامل ۵۵ صفحه و ۱۶۲ ماده می‌باشد همه صفحات آن با امضای صبغت‌الله مجددی رییس لویه جرگه قانون اساسی نشانی شده؛ این قانون اساسی نشانی شده با امضای صبغت‌الله مجددی در موارد زیادی با قانون اساسی توشیح شده اختلاف دارد که برای روشن شدن این قضیه گفت‌وگویی با او انجام داده‌ام که حاصل آن را اینک می‌خوانید:

در ابتدا بگوئید چرا و چگونه متوجه شدید که در پیوند به نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان کار کنید؟

چون رشته تحصیلی من حقوق است و گاه گاهی که در کتاب‌ها مطالعه می‌کردم همیشه ادعا می‌شد زمانی که در ۱۴ جدی ۱۳۸۲ خورشیدی، قانون اساسی افغانستان از طرف لویه جرگه تصویب شد بعداً این قانون توسط افراد معین و مشخصی در درون نظام مورد دست‌برد قرار گرفت، در کتاب‌های زیادی این موضوع مطرح و بحث شده است. این ادعای مستدل اکثراً توسط کسانی مطرح می‌شد/می‌شود که در کمیسیون تدقیق ودر لویه جرگه قانون اساسی عضویت داشتند، مثلاً عبدالحفیظ منصور در کتاب «افغانستان جزیره نیست»، محمد اشرف رسولی در کتاب «نقد و تحلیل بر قانون اساسی افغانستان»، احمدعلی علی‌زاده (صادقی) در کتاب «موضع‌گیری‌ها، چالش‌ها و تفاهات در لویه جرگه» و محمد آصف محسنی در کتاب «تصویب قانون اساسی در لویه جرگه (جدی ۱۳۸۲)» و همچنان در یکی از رسانه‌های خصوصی در سال ۲۰۱۵ نشر شد که قانون اساسی افغانستان پس از تصویب لویه جرگه در هفتاد مورد تغییر وارد شده است این ادعاها ثابت می‌سازند که قانون اساسی بعد از تصویب لویه جرگه مورد دست‌برد قرار گرفته است.

این ادعاها برایم انگیزه خلق می‌کرد تا به نحوی از انجا به نسخه اصلی قانون اساسی دسترسی پیدا کنم تا نسخه توشیح شده را با نسخه اصلی مقایسه و ادعاهای مطرح شده را بررسی کنم که چقدر درست و موجه اند.

روی این موضوع چند سال کار کردید؟

تقریباً یک‌ونیم سال کار روی این موضوع وقت گرفت که در این مدت در سه بخش کار کردم، مرحله تسوید قانون اساسی افغانستان، مرحله تدقیق قانون اساسی افغانستان و مرحله تصویب قانون اساسی افغانستان را کار کردم. در نظام حقوقی افغانستان، قانون اساسی همین مراحل را طی می‌کند که من همه این موارد را کار کردم و کوشیدم تا به عنوان نمونه یکی از دست‌بردهای قانون اساسی را بتوانم روشن سازم، روی مصطلحات ملی بیشتر کار کردم، زمانی که می‌گویم قانون اساسی افغانستان مورد دست‌برد قرار گرفته ودر آن جعل شده، یکی از موارد درشت آن بحث «مصطلحات ملی» است؛ در این مدت دریافتم که مصطلحات ملی جز قانون اساسی افغانستان نیست. براساس دلایل مستدل مصطلحات علمی واداری ملیدر ماده شانزدهم قانون اساسی افغانستان از طرف رییس لویه جرگه آقای حضرت صبغت‌الله مجددی ظاهراً اضافه شده است.

*اگر بگوئید که چرا قانون اساسی افغانستان مورد دست‌برد قرار گرفت و چه کسانی در این کار سهم داشتند؟

این پرسش که چرا قانون اساسی مورد دست‌برد قرار گرفت؟ همواره از من پرسیده می‌شود، بهتر است این پرسش را کسانی که در ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ به نام «کمیته تصحیح» نشسته وگفتند که قانون اساسی افغانستان بعد از تصویب را تصریح می‌کنیم، اغلاط و مشکلات املائی وانشایی آن را از میان بر می‌داریم، پرسیده شود که در ترکیب این کمیته: نعمت‌الله شهرانی، صبغت‌الله مجددی، فاروق وردک، سروردانش، عبدالسلام عظیمی و محمد موسی اشعری بودند و باید از آنان پرسیده شود که چرا در قانون اساسی مصوب لویه جرگه دخل و تصرف کرده‌اند.

در مدت زمانی که روی نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان کار کردید دریافت شما چه بود که قانون اساسی افغانستان در چند مورد مشخص جعل شده است.

پس از یک تحقیقات منظم، علمی و کتاب‌خانه‌یی می‌توانم بگویم که بیشتر از پنجاه مورد را به صورت مستند در یک صد و شصت و دو ماده قانون اساسی افغانستان ضمیمه یک خطبه و یک مقدمه، در محتویات این قانون چه به صورت ماهوی و چه به صورت شکلی تغییرات بنیادی را مشاهده می‌شود یعنی از خطبه قانون شروع تا مواد آمده در قانون مورد دست‌برد قرار گرفته است.

اگر چند مورد از این دریافت‌هایتان را به خوانندگان روزنامه ماندگار هم شریک سازید.

شش مورد از این دست‌برد را خدمت‌تان پیشکش می‌کنم: ماده پنجاهم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی چنین تسجیل گردیده است:

دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور بعد از تصویب شورای ملی تدابیر لازم اتخاذ نماید...

ماده پنجاهم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین آمده است: دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید...

ماده پنجاهم و سوم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی چنین تصویب شده است:

... برای بازماندگان شهدا، مفقودین معلولین و معویبین، سهم‌گیری فعال آنها در جامعه و بازتوانی آنان مطابق به احکام قانون تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید...

ماده پنجاهم و سوم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین است: ... برای بازماندگان شهداء و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معویبین و سهم‌گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید...

ماده هشتاد و سوم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی چنین تصریح شده است:

... تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر (۲۵۰) نفر می‌باشد...

ماده هشتاد و سوم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین آمده است:

... تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دو صد و پنجاه نفر می‌باشد...

ماده هشتاد و ششم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی چنین تسجیل گردیده است:

و ثانیاً انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می‌گردد.

ماده هشتاد و ششم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین آمده است:

و ثانیاً انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می‌گردد.

ماده هشتاد و هفتم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه قانون اساسی چنین آمده است:

هریک از دو مجلس شورای ملی در آغاز دوره کاریک نفر از اعضای خود را برای یک دوره تقنینیه به حیث رییس و دونفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دونفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می‌کنند...

ماده هشتاد و هفتم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین صراحت دارد:

هریک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رییس برای یک دوره تقنینیه و دونفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دونفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می‌کنند...

ماده یکصد و پنجاهم و هفتم قانون اساسی در نسخه تصویب شده لویه جرگه

قانون اساسی چنین تصریح گردیده است:

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. اعضای این کمیسیون از طرف رییس جمهور تعیین می‌گردند.

ماده یک صد و پنجاهم و هفتم قانون اساسی در نسخه توشیح شده چنین صراحت دارد:

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد.

اعضای این کمیسیون از طرف رییس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می‌گردند.

به عنوان یک نویسنده و آگاه حقوقی تصور شما چیست چه کسانی به خاطر دست‌برد در قانون اساسی باید مورد باز پرس قرار گیرند؟



من به عنوان یکی تبعه این کشور که حداقل در مدت بیشتر از ده سال در متابعت به این قانون (دست‌برد شده) زنده‌گی و به عنوان یک شاگرد حقوق در این زمینه تحقیق مستدل علمی کرده‌ام، حاضریم تا از چهار شخص مصرانه و در فضای احترام متقابل بپرسیم: از صبغت‌الله مجددی به عنوان رییس لویه جرگه قانون اساسی، نعمت‌الله شهرانی به عنوان رییس کمیسیون تسوید و تدقیق قانون اساسی، فاروق وردک به عنوان رییس دبیرخانه قانون اساسی و همچنان حامد کرزی رییس جمهور پیشین که این قانون (توأم با جعل) را توشیح کرده است. اینان باید به ملت افغانستان پاسخ دهند که چرا در قانون اساسی این میثاق ملی ما این سند تقنینی مردم افغانستان دست‌برد صورت گرفته است.

حالا چنانی که بر می‌آید افغانستان با دو قانون اساسی روبه‌رو است یکی قانون اساسی‌یی که توسط لویه جرگه تصویب شده و قانون اساسی‌یی که حامد کرزی به عنوان رییس جمهور افغانستان آن را توشیح کرده، در چنین وضعیتی با این دو نسخه و تحقیقات شما چه برخوردی باید صورت گیرد؟

بر اساس تحقیقات حقوقی لازمی که انجام داده‌ام، معلوم است که افغانستان دارای دو قانون اساسی است چون مصوبات لویه جرگه از منابع خاص حقوق اساسی افغانستان تلقی می‌گردد به همین منظوری ما بر این بوده است تا مصوبه لویه جرگه (نسخه اصلی قانون اساسی افغانستان) را به اجازه وزارت محترم اطلاعات فرهنگ و با اخذ شماره ISBN به نشر برسانیم تا مردم افغانستان بدانند که چه جفایی نا بخشودنی و بی سابقه‌یی در تاریخ افغانستان به وسیله اشخاص فوق‌الذکر صورت گرفته است. پس برای ما لازم است تا یک گفتمان ملی، علمی و مستقل را به راه‌اندازی کنیم و دادخواهی‌های خود را ادامه دهیم.

آخرین تحقیقات شما در پیوند به قانون اساسی چه خواهد بود؟

آخرین تحقیقات من در پیوند به طی مراحل قانون تحصیلات عالی خواهد بود که امروزه در شورای ملی افغانستان به دلیل یک ایزاد جعلی ماده شانزده صورت گرفته است؛ سعی بر این است تا مصطلحات را ملی در سه دیدگاه بررسی کنیم: اول مصوبه لویه جرگه دوم، ادعاهای مرتبط به آن سوم، اجراءات نهادهای مسوول مثلاً نظر مشورتی کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، تفسیر قوه قضائیه و نظر وزارت تحصیلات عالی؛ تا به نمایندگان مردم در شورای ملی تفهیم کنیم و نهاد مسوول مستدل خدمت‌شان ارایه کنیم که این ایزاد جعلی بوده است و قانون تحصیلات عالی نباید در گرو جعل قرار گیرد.

*ممنون از این که برای این گفت‌وگو فرصت گذاشتید.

از شما هم تشکر.

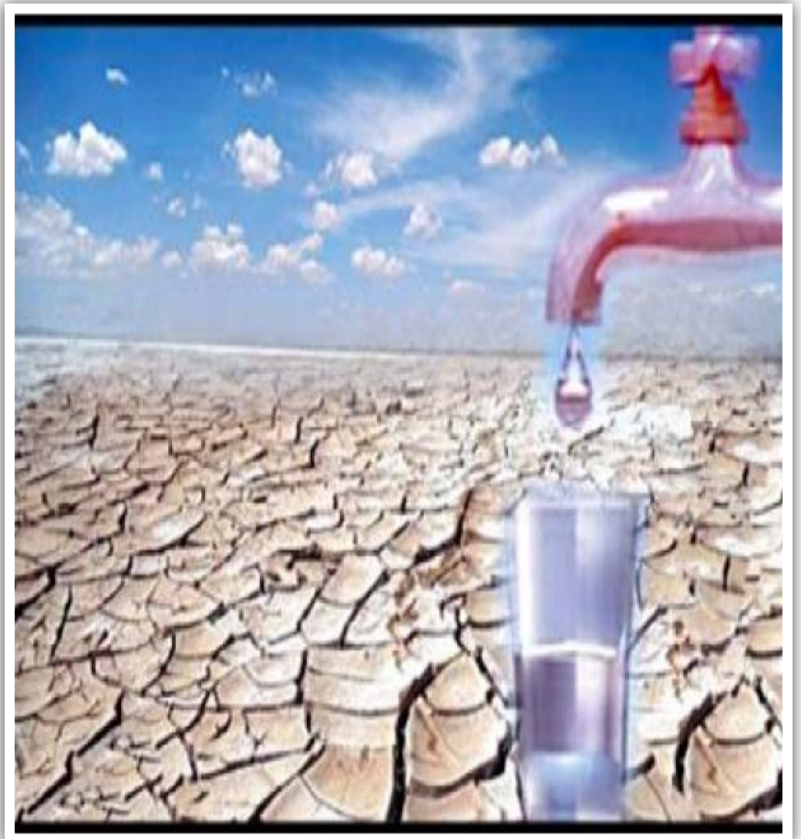
مترجم: فرناز حیدری

بحران آب در سیاره آبی

پیش‌بینی شده که تا سال ۱۴۰۵ هجری خورشیدی حدود ۲ میلیارد نفر با بحران جدی کمبود آب آشامیدنی مواجه خواهند شد. به همین دلیل، متخصصان در حال ارزیابی موانعی هستند که بر سر راه نمک‌زدایی از آب دریا قرار دارد. در حال حاضر، نمک‌زدایی (حذف نمک از آب دریا) به عنوان یک راه‌حل پیشنهادی و موثر جهت مبارزه با کمبود آب آشامیدنی در مرکز توجهات بین‌المللی قرار دارد، اما این روش به ظاهر ساده و بی‌عارضه اخیراً به چالش کشیده شده است.

پژوهشگرانی که روی عوارض جانبی شیرین کردن آب دریاها و اقیانوس‌ها به منظور تامین آب مورد نیاز جمعیت در حال افزایش سیاره زمین کار می‌کردند، در مقاله جدیدی که منتشر کرده‌اند، نکات جدیدی را یادآور شده‌اند.

در این مقاله آمده است که قبل از آن که نمک‌زدایی بتواند به عنوان روشی کارآمد در حل بحران کنونی آب معرفی شود، متخصصان و صاحب‌منصبان باید تعهد کنند که بر مشکلات و موانعی که این روش را هزینه‌بردار و ناکارآمد می‌کنند، غلبه کنند. دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که تا ۴ سال آینده حجم آب شیرینی که کارخانه‌های آب شیرین‌کن تولید می‌کنند، بالغ بر ۳۸ میلیون مترمکعب در سال خواهد بود. این رقم ۲ برابر حجمی است که در ۳ سال پیش تولید شده است.



کارخانه‌های آب شیرین‌کن مُدرن از تکنالوژی اسمز معکوس استفاده می‌کنند. در این روش آب شور را تحت فشار از یک غشای پلاستیکی نیمه تراوای فوق‌العاده نازک عبور می‌دهند و از آن‌جایی که مولکول‌ها یا یون‌های بزرگ هم‌چون انواع نمک محلول در آب قادر به عبور از این غشا نخواهند بود، آب اصطلاحاً فیلتر شده و شیرین و آماده مصرف می‌شود.

نتیجه این فرآیند به ظاهر ساده، آب شیرینی است که از سمت دیگر خارج می‌شود. این روش نسبت به تکنیک‌های پیشین نمک‌زدایی، نظیر تقطیر آب دریا، انرژی کم‌تری را مصرف می‌کند، اما به هر حال یک کارخانه معمولی که از روش اسمز معکوس استفاده می‌کند، بیشتر از ۴۰ درصد هزینه‌هایش را صرف خرید برقی می‌کند که برای گردش کل سیستم ضروری است. این یک دلیل عمده است که مهندسان در صدد یافتن راهی هستند تا از هزینه‌ها بکاهند و کارخانه‌هایی کارآمدتر بسازند که انرژی کم‌تری مصرف

کنند. از زمان ابداع غشاهای اسمز معکوس یعنی حدود ۵۰ سال پیش تاکنون، این غشاها تکامل یافته‌تر شده‌اند. به عنوان مثال، غشاهای امروزی کار خود برای عبور آب و نگه داشتن نمک در پشت آن را بهتر و دقیق‌تر انجام می‌دهند. هم‌چنین غشاهای امروزی مقاومت بیشتری نسبت به آلودگی‌های باکتریایی پیدا کرده‌اند، اما این به آن معنا نیست که مشکل آن‌ها کاملاً برطرف شده است. "مناجم الی ملج" که یک مهندس محیط زیست از دانشگاه "بیل" است و در نگارش مقاله مورد اشاره همکاری داشته، توضیح می‌دهد که غشاها، باکتری‌های موجود در آب را به دلیل این‌که عمدتاً دارای اندازه‌ی بزرگ‌تر از مولکول آب هستند، خود به خود جذب می‌کنند و این مساله علاوه بر مشکلات بهداشتی، عبور آب را نیز دشوارتر خواهد ساخت. برای پاک‌سازی باکتری‌ها می‌توان از کلر استفاده کرد، اما غشاهای اسمز معکوس که امروزه از آن‌ها استفاده می‌شود، نسبت به کلر خیلی حساس هستند و زمانی که در معرض مواد کیمیایی قوی قرار می‌گیرند، به سرعت تحلیل رفته و از بین می‌روند. آقای الی ملج می‌گوید: باید اقدامات عاجلی به منظور ساخت غشاهای مقاوم در برابر کلر صورت پذیرد. ساخت

کارخانه‌های آب شیرین‌کن کم‌هزینه‌تر، در گرو توسعه تکنالوژی ساخت غشاهای کارآمدتر است. اگر قرار است این کارخانه‌ها نیاز رو به رشد جامعه جهانی را که خصوصاً در مناطق در حال توسعه روز به روز بیش‌تر با مساله کم‌آبی مواجه می‌شوند، مرتفع سازند، باید هزینه کم‌تری را چه در مرحله ساخت و چه در طول زمان بهره‌برداری به همراه داشته باشند. آقای یورام کوهن استاد مهندسی کیمیا بیومولکولی از دانشگاه یو سی ال ای می‌گوید: یک راه انجام این کار استاندارد کردن تمامی بخش‌های کارخانه و حتی روش‌هایی است که بر مبنای آن‌ها فرآیند شیرین کردن آب شور دریاها صورت می‌پذیرد.

در این جهت، طراحی و ساخت کارخانه‌های کوچک‌تر و کارآمدتر هم در دستور کار قرار دارد تا امکان تهیه آب شیرین اقتصادی برای مناطق کم‌جمعیت یا گروه‌های کاری کوچک در مناطق دورافتاده فراهم شود. کوهن در ادامه این پرسش را مطرح

ساخت که "فکر می‌کنید چرا کمپیوترهای شخصی این قدر ارزان هستند؟" این به آن علت است که تکنالوژی، استاندارد شده است. شما می‌توانید اجزای سازنده کمپیوتر را از هر کسی که خواستید، بخرید یا حتی آن‌ها را تعویض کنید یا آن‌ها را با نمونه‌های خودتان ترکیب کنید. تمامی این کارها را انجام می‌دهید، چون کل سیستم استاندارد شده است. آقای کوهن می‌گوید: راه دیگر برای کاهش هزینه‌ها و بهبود عملکرد کارخانه‌های آب شیرین‌کن، سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش تحقیقات است. اما در حال حاضر به نظر می‌رسد که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی حتی در کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری نیز کم و ناکارآمد است. او حتی فراتر رفته و می‌افزاید: نمک‌زدایی از آب دریا باید به عنوان یک واحد درسی پایه به واحدهای آموزشی دانشجویان دوره مهندسی اضافه شود.

لازم به ذکر است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، سیدنی لوب و سری واسا سوریراجان، نخستین غشاها برای شیرین کردن آب دریا را در دانشگاه یو سی ال ای طراحی کرده و ساختند. این دو نفر بعدها نخستین کارخانه آب شیرین‌کنی جهان را که از تکنالوژی اسمز معکوس بهره می‌گرفت، راه‌اندازی کردند.

اما در انتها مساله مهمی وجود دارد که باید به آن توجهی ویژه شود و آن‌هم پسماند فرآیند شیرین‌سازی آب شور دریا است. در یک کارخانه آب شیرین‌سازی، ابتدا آب شور از دریا یا اقیانوس وارد کارخانه می‌شود و از سوی دیگر آب شیرین و گوارا خارج می‌گردد، اما آب شیرین تنها خروجی این کارخانه‌ها نیست. در اثر این فرآیند آب فوق‌العاده شوری نیز در انتهای مسیر باقی می‌ماند که همه را با یک چالش بزرگ روبه‌رو می‌سازد. با این آب بی‌نهایت شور که تکه آخر پازل است، چه باید کرد؟

به نظر می‌رسد، اگر کارخانه به اقیانوس نزدیک باشد، مشکلی وجود ندارد و آب شور را می‌توان البته با دقت و احتیاط کامل و طی فرآیند کاملاً مشخصی مجدداً به دریا یا اقیانوس بازگرداند. البته این کار مستلزم این است که تکه‌های نمک پیش‌تر در آب حل شده باشند و در ضمن ارزیابی زیست‌محیطی نیز انجام شده باشد، اما خلاص شدن از این نمک غلیظ برای کارخانه‌هایی که دور از ساحل هستند، بسیار مشکل و مساله‌ساز خواهد بود. آقای کوهن می‌گوید: این کار، کار راحتی نیست. در برخی کشورها قوانینی وجود دارد که مانع تخلیه این محلول نمکی غلیظ به آب‌های سطحی یا حتی مجاری فاضلاب می‌شود.

در برخی مناطق حتی امکان تزریق این محلول به بخش‌های زیرین زمین هم به دلیل مشکل آب‌های زیرزمینی، وجود ندارد. توجه داشته باشید که این مورد آخر بسیار هم هزینه‌بر است. آقای الی ملج از دانشگاه بیل نگران است که برخی کشورها به این روش به عنوان تنها چاره بحران کنونی آب نگاه کنند و جنبه‌های مثبت و منفی آن را مد نظر قرار ندهند. این مهندس محیط زیست در خاتمه گفت: روش‌های دیگری هم برای شیرین کردن آب وجود دارد که برخی کم‌هزینه‌تر و برخی پرهزینه‌تر هستند، برخی دارای عوارض بیش‌تر و برخی دارای عواقب بدتری هستند. بنابراین برای انتخاب نهایی باید تمامی جنبه‌های مادی و زیست‌محیطی طرح‌ها را به صورت موشکافانه در نظر گرفت و چشم بسته اقدام به سرمایه‌گذاری کلان برای آینده نکرد.

منبع: news.nationalgeographic

بخش نخست

راه‌های رشد فکری و مغزی کودک



وقتی نوزادی متولد می‌شود، مغز او کاملاً آماده است تا یک سری روابط را در حین یادگیری و تجربه موقعیت‌های گوناگون زنده‌گی، ایجاد نماید. ایجاد این روابط در ذهن و مغز کودک از همان بدو تولد آغاز شده و تا بزرگسالی هم ادامه می‌یابد. تحقیقاتی که اخیراً انجام شده، اطلاعات جدید و قابل توجهی را در این زمینه به دست داده اند. از جمله این‌که مغز انسان به هنگام کودکی، سریع‌ترین میزان رشد را دارد تا آن‌جا که در پنج ساله‌گی طفل، به ۹۰ درصد رشد نهایی خود می‌رسد. اما پرسش این است که اصولاً آگاهی درباره رشد مغزی کودک‌تان تا چه حد حایز اهمیت است؟

دانشمندان معتقد اند رشد مغزی در کودکان طی یک دوره زمانی بسیار کوتاه اتفاق می‌افتد، به طوری که در مواردی این تغییرات به حدی شدید اند که آثار بلندمدتی بر روی فکر و ذهن کودک برجا می‌گذارند.

آن‌ها این دوره‌های زمانی خاص را که رشد مغزی کودک در طول ۵ تا ۶ سال اول زنده‌گی به بیشترین حد خود می‌رسد، دوره‌های بحرانی می‌نامند. تصور آن است که این مرحله نیز مانند دیگر مراحل برجسته و مهم در زنده‌گی کودکان مثل یادگیری راه رفتن، صحبت کردن، بازی کردن و...، از مهم‌ترین دوره‌هایی هستند که در آن مهارت‌های خاصی در کودک به‌طور طبیعی توسعه پیدا می‌کند. بر این اساس، تجربیات اولیه کودکان، نقش مهمی را در موفقیت‌های تحصیلی و زنده‌گی آینده آنان بازی می‌کنند.

پژوهشگران معتقد اند، وقتی والدین کودک را تغذیه می‌کنند، او را نوازش کرده راه می‌برند یا با او صحبت می‌کنند، برایش لالایی و شعر می‌خوانند، ضمن آموزش برخی مهارت‌های کلیدی، روابط ذهنی و مغزی او را هم بهبود می‌بخشند که این امور سبب می‌شوند تا طفل یاد بگیرد نسبت به دیگران چه احساسی داشته باشد یا چه‌گونه با دیگران و دنیای اطرافش ارتباط برقرار کند.

نیاز کودکان در این مرحله چیست؟

با این‌که آگاهی از رشد ذهنی و مغزی کودک از اهمیت خاصی برخوردار است؛ اما لزومی ندارد که شما نسبت به آن بیش از حد نگران باشید. فراموش نکنید که کودکان با توانایی‌های خاص خود برای یادگیری، متولد می‌شوند و بسیاری از مهارت‌ها را بدون نیاز به آموزش یاد می‌گیرند. به عنوان مثال، شما نمی‌توانید به کودک‌تان یاد بدهید که حرف بزند، بلکه با به کار بردن روش‌ها و تجربیات خود، او را تشویق می‌کنید تا مهارت‌های زبانی خویش را توسعه دهد.

بررسی متون عرفانی در سده‌های ۵ و ۶ هجری

علی محمدرضایی هفتاد
بخش دوم

احیاءالعلوم امام محمد غزالی

کتاب احیاءالعلوم امام محمد غزالی یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های دینی و اخلاقی و عرفانی و مواظ که همیشه در عالم اسلام اهمیت داشته و مورد توجه علمای شیعه و سنی مذهب بوده، مهم‌ترین و جامع‌ترین و معروف‌ترین کتاب «ابوحامد محمد غزالی» است.

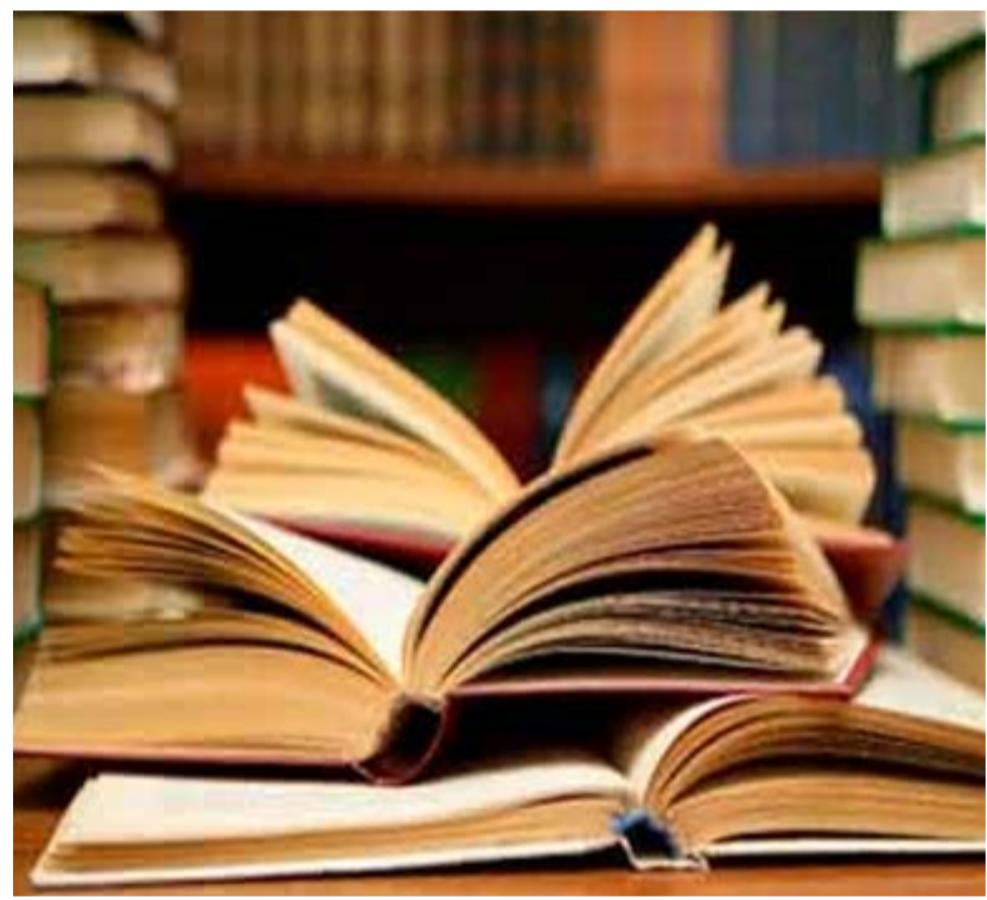
نویسنده این کتاب، ابوحامد محمد بن محمد غزالی، در سال ۴۵۰ هـ ق برابر با ۱۰۵۸ میلادی در طوس به دنیا آمد، در کودکی یتیم شد و خیلی زود به‌طور جدی مشغول یادگیری علم و علوم مختلف شد. مدتی در طوس و بعد نزد «ابونصر اسماعیلی» در جرجان، علم آموخت ولی بعد زیر نظر معلمان مختلفی که برجسته‌ترین آن‌ها «امام الحرمین جوینی» بود تا سال ۴۷۸ هـ ق درسش را ادامه داد. او که به تدریج یک حکیم الهی و فقیه، متفکری با دیدی وسیع و قدرتمند شده بود، مدت‌ها به عنوان رییس مدرسه نظامیه خدمت کرد و تدریس کلام اشعری و فقه شافعی می‌کرد. غزالی مدت یازده سال، به تفکر و در تنهایی و خلوت نشست و به صورت تجربه عمیق شخصی، روش زنده‌گی صوفیانه را برای خودش انتخاب کرد. این دوران، دوران فعالیت و خلاقیت او بود، به طوری که از ۴۰۴ کتابی که منسوب به اوست، تعداد زیادی را در این دوران نوشت. مدتی بعد، به ترغیب دیگران به زنده‌گی علمی برگشت و زمانی هم در مدرسه نظامیه نیشابور، تدریس می‌کرد. بعد به طوس و خانقاه برگشت و به تعلیم و هدایت شاگردان در زمینه زنده‌گی صوفیانه پرداخت.

کارنامه کتاب

این کتاب را که غزالی در دوران کناره‌گیری از تدریس در مدرسه نظامیه، و بعد از بروز دگرگونی‌های روحی و شوریده‌گی‌های فکری و بر اثر انتخاب راه مجاهده و ترک مجادله، در ایام سفر و اقامت چندساله‌اش به شام و قدس و حجاز نوشت و حاصل مراقبات صوفیانه و مطالعات عالمانه خود را در آن به یادگار گذاشت، در واقع کارنامه بزرگ غزالی در دوران عزلت و تنهایی‌اش می‌باشد. کتابی است بزرگ در حدود ۱۶۰۰ صفحه رحلی، طبق طرحی جامع در چهار فصل اساسی که هر کدام به ده بخش، یعنی ده کتاب تقسیم شده است.

موضوع و عناوین:

- ۱- ربع عبادات: این فصل در رابطه با پرستش و نماز، اسرارالزکوة، روزه، حج، آداب تلاوت قرآن، اذکار و دعوات و کتاب ترتیب‌الاوراد می‌باشد.
- ۲- ربع عادات: در رابطه با آداب و رسوم اجتماعی از قبیل: آداب خوردن، کسب‌وکار، حلال و حرام، نکاح، آداب برادری و اخوت، عزلت، سفر، امر به معروف و نهی از منکر، آداب السماع والوجد، معیشت و اخلاق النبوه.
- ۳- ربع مهلکات: کتاب شرح عجایب قلب، ریاضت نفس، شهوت‌ها، آفات زبان، در مذمت غضب و حقد و حسد، مذمت دنیا، مذمت بخل و حب مال، مذمت جاه و ریاء، مذمت کبر و عجب و غرور.
- ۴- ربع منجیات: (آنچه که رستگاری است). کتاب توبه، صبر و شکر، خوف و رجاء، فقر و زهد، توحید و توکل، محبت و شوق و انس و رضا، نیت و اخلاص و صدق، مراقبه و محاسبه، کتاب‌الفکر، کتاب ذکرالموت و مابعد.



یا ترجمه سخنان دیگران نمی‌پردازد، بلکه اندیشه خود را شرح می‌دهد، چنان‌که خودش هم در مقدمه تصریح می‌کند که این کتاب را به «الهام حق» بیان کرده است. این کتاب یکی از متون کهن و اصیل و نفیس از گنج خانه غنی و پرمایه زبان پارسی است. این کتاب مفصل‌ترین اثر موجود از نویسنده است که قابل دسترسی است؛ نویسنده در این کتاب مسایل قابل ملاحظه مورد نظر خود را برای سهولت مطالعه طبقه‌بندی کرده و آن‌ها را در ذیل ۴۵ باب در این کتاب می‌آورد.

نویسنده برای «توبه» به‌ویژه از سوی جوانان و کسانی که هنوز استطاعت بدنی، آماده‌گی جسمانی و روحی برای ارتکاب معصیت از مزاج ایشان خودبه‌خود سلب نشده، ارجح و اهمیتی فراوان قایل است و تأیید راستین را که با یک گذشت دشوار و تلخ از شیرینی و لذت گناه بالمره چشم می‌پوشند و به زهد و صلاح و پرهیز می‌گیرند، نیک می‌ستاید.

در مقالات نویسنده جای‌جای به مناسبت از «توبه» و گران‌بهای آن سخن به میان می‌آید و اندیشه خواننده با مهارت مخصوص نویسنده و به همراهی مثل‌های زنده و سخنان نغز و دل‌انگیز و شرح ماجراهای عبرت‌انگیز از زنده‌گانی توبه‌کاران به نام، همچون «نصوحا» و «فضیل عیاض» و مانند اینان برای دریافت ارزش «توبه» و درک جهان تازه و جان‌بخش «تائبان» آماده می‌شود.

مباحث این کتاب به‌صورت پرسش‌هایی از سوی نویسنده مطرح می‌شود که هر یک از این سؤالات جایی را برای عنوان بابی جداگانه در تدوین این متن به خود اختصاص می‌دهد. پاسخ نویسنده در برابر این سؤالات با عبارت «الجواب و بالله التوفیق» تصدیق می‌یابد و برای جلب توجه طالبان با «بدان که» باب ورود به بحث گشوده می‌شود. گاه اتفاق می‌افتد که در گرماگرم بحث درباره موضوعی، پرسش‌های دیگری نیز از سوی مریدان و حاضران در مجلس عنوان می‌شود که شیخ جام با مهارت تمام و بی‌آن‌که رشته مطلب را از کف بنهد، پاسخی مناسب و سازگار با هر یک ادا می‌کند.

از هنرهای شگرف مصنف فراهم چیدن دامن مباحث درخور تفصیل و اطناط است به شیوه‌ی سهل. آن‌ها را به اسلوبی ساده و پاکیزه و با رعایت اختصار بیان می‌دارد و آراء و اندیشه‌های بکر عارفانه خویش را در قالب جملاتی کوتاه، اما نغز و شیرین می‌آورد. در شرح و تبیین کلام خویش از «اعتصام بحبل‌الله»، یعنی استشهاد به آیات بینات و توسل به اخبار مروی از «مفخر موجودات»؛ یعنی محمد مصطفی (ص) با عنوان پشتوانه‌ی استوار و گران‌بها و برهانی صحیح و روشن نیرو می‌گیرد. نیز نقل اقوال ائمه هدی، بزرگان صحابه، سخنان مشایخ و اقطاب صوفیه، ضرب‌المثل‌های زبان پارسی و عربی، ابیاتی نغز از شعر عرب و عجم و نکته‌ها و لطیفه‌هایی دل‌انگیز در قالب حکایت و واقعه، در واقع چاشنی و معجون مطبوع و سلامت‌بخشی است که شیخ جام بر خوان رنگین «انس‌التائیین» در برابر مهمان شیفته و مشتاق چنین مانده‌یی می‌نهد.

از سوی دیگر، لحن خطابی دوستانه و طرز بیان اخوانی وی در گفتار عبرت آموزش از خصوصیات است که به کار نویسنده جلا و گیرایی خاص می‌بخشد. نویسنده پس از ذکر عنوان‌های ۴۵ گانه کتاب، از خواننده می‌خواهد از سر تقلید در نوشته‌های وی ننگرد و اگر کسی را از سخنان وی چیزی در وقت معلوم نشد، بر آن دوری نکند و بلکه در آن اندیشد تا زبان‌کار نگردد.

کشف‌الاسرار

تفسیر کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبیدی بر اساس تفسیرخواجه عبدالله انصاری منبعی غنی از تفسیر، تأویل، معارف اسلامی، شعر و ادب عربی و فارسی است. در بین ترجمه‌ها و تفسیرهای معتبر قرآن به زبان فارسی، کشف‌الاسرار ارزشی والا و مقامی خاص دارد. آن‌گونه که همه‌گان می‌دانند، این کتاب را میبیدی در اوایل سال ۵۲۰ هجری آغاز کرده است و سرمشق او در این کار، تفسیر معروف خواجه عبدالله انصاری بوده است که متأسفانه اکنون به تمامی در دسترس نیست و احتمال دارد که در اثر حوادث روزگار از میان رفته باشد.

نظام خانقاهی خراسان به بار نشسته است. از این اثر ارزشمند، تنها یک نسخه منحصر به فرد در دست است که در «کتابخانه ملک» نگهداری می‌شود. تصحیح حاضر بر اساس این نسخه انجام شده و با مقدمه‌ی مفصل درباره آن و فهرست‌های گوناگون و توضیحات مفید همراه گردیده است.

انس‌التائیین

یکی از نوشته‌های مهم صوفیانه او انس‌التائیین است که مطالب آن به منزله پاسخ‌هایی است که مؤلف به پرسش‌هایی چند درباره مسایل اعتقادی از دیدگاه تصوف داده است. عنوان هر یک از ابواب کتاب نیز به صورت سؤال است. مثلاً عنوان باب اول، درباره عقل و عاقل، چنین است: «می‌پرسند که عقل چیست و عاقل چیست» و باب دوم، درباره معرفت و عارف، چنین است: «می‌پرسند که معرفت چیست و عارف چیست».

این پرسش‌ها از جانب شخص یا اشخاصی خاص مطرح نشده است، بلکه در واقع، این نوع طرح سؤال از جانب خود مؤلف است که خواسته بدین طریق مسأله خود را که می‌خواهد در هر باب مطرح کند، ذکر کرده باشد.

این مسایل هم، چنان‌که مؤلف در مقدمه کتاب توضیح داده است، درباره مسایل شرعی و عبادات ظاهری نیست، زیرا این نوع مسایل را خواننده‌گان می‌توانند در کتاب‌های دیگری که بیشتر مؤلف یا دیگران نوشته‌اند، پیدا کنند. مسایل مطرح شده درباره علم باطن است، علمی که «به نزدیک هر کسی نباشد و هر کسی را در این علم راه نمایند».

(جام، ج ۱، ۱۳۶: ۱۳)

کتاب انس‌التائیین جمعاً از یک مقدمه و ۴۵ باب تشکیل شده است و در این باب‌ها درباره مفاهیمی چون عقل، توبه، اخلاص، علم، صوفی‌گری، زهد، تقوا، صبر، فقر، شکر، عشق، شاه‌بازی، سماع، وقت، و وجد شرح داده شده است.

نثر احمد جام مانند نثر دیگر نویسندگان غرب خراسان، به‌طور کلی ساده و دل‌نشین است.

بعضی از ابواب این کتاب از نظر تاریخی و اجتماعی نیز بسیار درخور توجه است؛ زیرا احمد جام نویسنده‌ی مبتکر است، و صرفاً به نقل و

در واقع، غزالی در این کتاب، اول علوم را به واجب عینی و واجب کفایی، بعد واجب کفایی را به شرعی و غیرشرعی، بعد غیرشرعی‌ها را به محمود و مذموم و مباح تقسیم می‌کند، سپس علوم شرعی پسندیده را در بخش اصول (کتاب، سنت، اجماع امت، آثار صحابه) و مقدمات (لغت و نحو و...) و متممات (علم اصول، علم رجال و...) جا می‌دهد و در بخش فروع به دو قسمت، آنچه که در این جهان به کار می‌آید و آن علم فقه است و کتب فقهی شامل آن است، و فقها (علمای دنیا) به آن می‌پردازند و آنچه به آخرت مربوط می‌شود. چون غزالی متوجه بود که این کتاب برای خواننده معمولی بسیار حجیم است، لذا در کتاب «الاربعین» با چهل بخش، خلاصه‌ی از آن را نوشت که مثل چهل بخش کتاب «احیاء» است، ولی از لحاظ تقدم و تأخر با آن نمی‌خواند. بزرگ‌ترین شرحی که بر احیاءالعلوم نوشته شده، اثر زبیدی است که بیش از سه بار در کشورهای عربی زبان چاپ شده است.

سراج‌السائیین

این کتاب، یکی از گسترده‌ترین و در عین حال، منسجم‌ترین آثار «شیخ احمد جام»، معروف به «ژنده پیل»، عارف نامدار قرون پنجم و ششم هـ ق به شمار می‌رود. گسترده از آن روی که از نظر تعداد باب‌ها و اشمال مضامین و نکته‌ها، بسیار متنوع و درازدامن است، و منسجم از این روی که در نوع و اسلوب بیان، شیوه‌ی یگانه، بدیع و نوآیین دارد. «سراج‌السائیین» اساساً اثری اخلاقی و اجتماعی است که بعضی از مسایل و دغدغه‌های عصر «شیخ احمد جام»، به خصوص در حوزه تصوف و عرفان و نظام خانقاهی در خراسان، در آن انعکاس یافته است. نثر کتاب، از نمونه‌ها و یادگارهای زیبای نثر مرسل و روان فارسی در دوره غزنوی و سلجوقی است. این نوع نثر، یادگاری دیرپا از سنت مجلس‌گویی واعظان و عارفان و متصوفه به شمار می‌رود و تا روزگار «شیخ جام»، در دوره‌ی قریب به چهارصد سال، به تداوم در بستر فرهنگ و ادب ایران قدیم جاری بوده و همچون میراثی کهن و سنتی، در حوزه

یک عضو کمیته گزینش:

چهارشنبه کار کمیته گزینش آغاز می شود

ناحیه نوری

کمیته گزینش برای انتخاب کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات روز چهارشنبه هفته جاری کارش را آغاز خواهد کرد.

نعیم ایوبزاده، عضو این کمیته، به روزنامه ماندگار گفت: به احتمال زیاد، کار کمیته گزینش چهارشنبه هفته جاری آغاز می شود.

ایوبزاده می گوید: به ما اطلاع دادند که کمیته گزینش می تواند کارش را از چهار یا پنجشنبه هفته جاری آغاز کند، اما اینکه چقدر دقیق است، باید منتظر ماند.

اما صدیق الله توحیدی، معاون کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، ضمن اینکه از آوردن تغییرات در کمیته گزینش سخت انتقاد می کند، می گوید: حضور پر قدرت نهادهای دولتی در کمیته گزینش بدون شک در انتخاب کمیشنران اثرگذار خواهد بود.

توحیدی گفت: روسای هر دو مجلس و رییس دادگاه عالی با وجود مصروفیت هایی که دارند، فرصت این را نخواهند داشت تا اسناد ۵۰۰ نفر متقاضی را بررسی کنند که واجد شرایط اند یا خیر.

او تاکید کرد: مطابق به قانون، روسای هر دو مجلس و قضات نمی توانند به کارهای دیگری مشغول شوند. بنابراین امری که در حال اجرا است، یک امر

خلاف قانون است.

به باور توحیدی: حکومت به دلیل فشارهای جامعه جهانی کمیسیون اصلاح انتخاباتی را ایجاد کرده اما بدون شک با انتخاب کمیشنران کمیسیون های انتخابات، تلاش خواهند کرد تا افراد حکومتی را وارد آن نهادها سازند.

با این حال شبکه اکسین که یک نهاد ناظر بر انتخابات است، از بن بست به وجود آمده در کمیته گزینش به دلیل آوردن تغییرات در این کمیته ابراز نگرانی می کند. مسوولان در این نهاد می گویند: عدم توازن میان نمایندگان نهادهای مدنی و حکومتی در کمیته گزینش، انتخاب کمیشنران کمیسیون انتخابات را زیر سوال می برد.

این نهاد با انتقاد از حکومت می گوید: حضور پررنگ حکومت در کمیته گزینش و عدم توازن میان نمایندگان نهادهای مدنی و حکومتی، نشانگر به حاشیه کشاندن نهادهای مدنی از این روند است.

شبکه اکسین از حکومت می خواهد تا هرچه زودتر زمینه آغاز دوباره روند اصلاح انتخاباتی را مساعد سازد و از نحوه گزینش کمیشنران جدید با در نظر داشت اصل شایسته سالاری و به دور از مداخله سیاسی، حمایت همه جانبه نماید.

بر اساس فرمان جدید رییس جمهوری، رییسان هر دو مجلس پارلمان، دادگاه

عالی، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، کمیسیون حقوق بشر و دو نماینده نهادهای مدنی در ترکیب کمیته گزینش حضور دارند.

در فرمان تقنینی قبلی رییس جمهوری که از سوی پارلمان رد شد، چهار نفر از اعضای دادگاه عالی و کمیسیون های حقوق بشر، نظارت بر تطبیق قانون اساسی و اصلاحات اداری و سه نفر از اعضای جامعه مدنی به شمول یک نماینده رسانه ها در نظر گرفته شده بود.

حکومت وحدت ملی با آغاز به کار خود در سال ۱۳۹۳، متعهد شده بود که تغییراتی را در مدیریت نهادهای انتخاباتی می آورد. با امضای این فرمان، اعضای فعلی کمیسیون های انتخاباتی جای خود را به افراد جدیدی خواهند داد.

در جریان برگزاری انتخابات جنجالی ریاست جمهوری ۱۳۹۳، مسوولان این دو نهاد، به ویژه کمیسیون انتخابات متهم شدند که در تقلب های «گسترده و سازمان یافته» دست داشته اند، هرچند آن ها این ادعا را همیشه رد کرده اند.

اعضای این کمیسیون ها نیز از سوی کمیته گزینشی تعیین شده بودند که ترکیب آن مانند ترکیب کمیته گزینش جدید بود و تفاوت آن عضویت یک فعال مدنی در آن بود اما در کمیته گزینش جدید، نهادهای مدنی دو عضو دارند.

سرنوشت بلخ در پرتو عقلانیت سیاسی

عبدالشهید ثاقب

امنیت خوب، رفاه اقتصادی، بازسازی و نوسازی، جاده های اسفالت شده، پارک های تفریحی، زندگی مسالمت آمیز اقوام و پیروان مذاهب مختلف، تکررگویی، نظم و قانونمداری.

به سرزمین بلخ بامی، پایتخت جمشید، دیار رباعه و مولانا خوش آمدید! بلخ بامی، همان ام‌البلاد جهان اسلام، روزگاری عروس شهرها بود و پایتخت امپراتوری ها. و آوازه پیشرفت و عمران و آبادانی اش شرق و غرب عالم را فرا گرفته بود. روایت است که روزی مرد خراسانی نزد حضرت علی کرم الله وجهه آمد. حضرت پرسید: «از کجا می آیی؟» گفت: «از خراسان». دوباره پرسید: «از کدام شهر خراسان؟» گفت: «از شهر بلخ».

حضرت علی فرمود: «خوش و خرم باد آب و گیاه بلخ که به علم و علما چنان آکنده است که انار به دانه هایش». ابن حوقل یکی از اندیش مندان معروف جهان اسلام که در سال های قبل از ۳۶۶ ق می زیسته است، در باره عظمت و شکوه گذشته بلخ می گوید: «بلخ، شهر بزرگ است و خرم و مقر خسروان بوده است اندر قدیم و اندر وی بنای خسروان است با نقش ها و کارکردهای عجیب و ویران گشته. آن را نوبهار خوانند و جای بازرگانان است و جای بسیار نعمت است و آبادان.»

بلخ اما برای همیشه، چنین سبز، آباد و پر نشاط نماند و دست جنایت، سرانجام، به آتش اش کشاند و عمران و آبادانی و زیبایی او را از او گرفت. امپراتورها و جهان گشاهایی آمدند که تخریب اش کردند، فرمان رواها و حکامی به قدرت رسیدند که با مدنیت بلخ دشمنی ورزیدند.

حکمت را خانه بود بلخ و کنون خانه ویران و بخت وارون شد (ناصر خسرو بلخی)

بلخ اما امروزه دوباره دارد عظمت و مدنیت گذشته خود را باز می یابد و چهره اش، با حال تر و حال و هوایش، مدنی تر و مرفه تر از سایر شهرهای کشور می شود. به گونه ای که بازسازی و نوسازی جریان دارد، سرک ها و

و سرنوشت شهری است که پس از سال ها دو باره قامت راست کرده و دارد نام و نشان گذشته خود را باز می یابد. بنابراین، اگر والی بلخ در گفتگو با روزنامه نیویورک تایمز می گوید که به رییس جمهوری گفته است «نمی خواهم قربانی شعارهای انتخاباتی شما باشم»، دقیقاً به همین موضوع اشاره می کند. او می خواهد بگوید در پشت این بی مهری ها و کشمکش ها عقلانیت سیاسی نه، بل کینه و عقده و خودخواهی حضور دارد. این در حالی است که عقلانیت سیاسی، مقتضی ابقای وی در مقام ولایت بلخ می باشد. ابقای او در ولایت بلخ، به چند دلیل سازگار با عقلانیت سیاسی می باشد:

۱- والی بلخ، عملاً نشان داده است که مرد مبتکر و با تدبیری است که می تواند به عمران و آبادانی بلخ بیفزاید و بازسازی و نوسازی آن ولایت را به درستی مدیریت کند؛

۲- حضور او در مقام ولایت بلخ، مانعی خواهد بود برای تک تازی ها و خودسری های پهلوانان جنبش در شمال؛ و به گونه ای توازن قوا را موجب خواهد شد. ارگ ریاست جمهوری نباید فراموش کند که جنرال دوستم اگرچه امروزه معاون نخست ریاست جمهوری است، اما شریکی قابل اعتمادی نیست. رییس جمهوری باید به یاد بیاورد که شورش همین مرد بود که سر انجام باعث سقوط حکومت نجیب الله گردید.

۳- هم چنان چندان عاقلانه نمی نماید در عصری که حکومت وحدت ملی با بحران مشروعیت رو برو بوده و همه روزه اپوزیسیون های سیاسی بیش تر از پیش قوت می گیرند و اعلام موجودیت می کنند و حتا برخی ها سخن از انتخابات زود هنگام می گویند، کسی دیگری را نیز به جرگه آن ها بفرستی.

والی بلخ، رییس اجرائیه جمعیت اسلامی است و در سراسر افغانستان هوادار دارد. خروج او از حکومت می تواند فاصله میان مردم و دولت را افزایش بخشیده و عامل تضعیف و حتا فروپاشی حکومت وحدت ملی گردد.

خیابان ها قیرویزی شده اند، امنیت و نظم و قانونمداری در شهر حاکم است، رفاه اقتصادی و زمینه کار و اشتغال وجود دارد و دوباره به همان شهر مورد پسند ابن حوقل، یعنی به «جای بازرگانان» و «جای بسیار نعمت و آبادان» تبدیل شده است. نوروز گذشته، وقتی در خیابان های بلخ و اماکن تفریحی آن قدم می زدم، رضایت خاطر شهروندان را با چشم سر می دیدم و با گوش جان می شنیدم. می دیدم که چگونه اهالی بلخ امیدوار به آینده به نظر می رسند و شاد و خرم می نمایند. صداقت، دل سوزی و وطن دوستی چیز دیگری است. اکسیری است که خاک را کیمیا می کند. بلخ ما، بلخ بامی، اگر امروزه دو باره دارد به ام‌البلاد افغانستان تبدیل می شود، نتیجه دل سوزی و صداقت و مدیریت دل سوزانه والی فرهیخته و با تدبیر آن می باشد؛ کسی که در یک دهه پسین علیه زورگویی و قلدرمنشی پهلوانان ایستاد، تا امنیت را به بلخ به ارمغان آورد، تا چهره شهر را تغییر دهد. روزی که «جدال عکس ها» اتفاق افتاد و امنیت شهر در مخاطره قرار گرفت، من با یکی از مسوولان محلی بلخ دیدار داشتم. برایم جالب بود که دیگران چشم طمع به تصاحب کرسی ولایت بلخ دوخته و از ضرورت تغییر رهبری صحبت می کردند، اما او بی خیال این چیزها، از حفظ دستاوردها می گفت و نگران خرابی شهر بود. او می گفت با تمام توان و امکانات، در برابر آشوب گران، خواهیم ایستاد و اجازه نخواهیم داد که شهری را که با هزاران خون دل آباد کرده ایم تخریب کنند.

قصه این که بحث هایی که امروزه بر سر ضرورت تغییر رهبری بلخ جریان دارد بیش تر از آن که انگیزه اداری داشته باشد، برخاسته از عقده مندی های دوره انتخابات و برتری طلبی های برخی گروه های سیاسی است. یکی می خواهد با سرپرست نگهداشتن والی بلخ، انتقام تنش های لفظی خود در هنگام کارزارهای انتخاباتی با او را بگیرد؛ و دیگری با راه اندازی جدال عکس ها، خواب تسلط دوباره پهلوانان بر شمال را می بیند و به بازگشت دوره انارشسیسم و هرج و مرج و زورگویی می اندیشد. آنچه که در این میان اصلاً به آن توجه صورت نمی گیرد، بلخ و منافع بلخی ها

این عضو کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی تصریح کرد: موضوع دیگری که مایه نگرانی مردم شد، کندی در روند اصلاح کمیسیون انتخابات است، فکر می کنم که با این کندی و سهل انگاری که دولت در آوردن اصلاحات در کمیسیون انتخابات دارد، نمی تواند انتخابات پارلمانی و شوراها و ولسوالی را در سال ۱۳۹۵ برگزار کند و این کار باعث ایجاد بحران های سیاسی خواهد شد.

او هم چنان، گفت: وقتی رییس دادگاه وارد عمل در یک قضیه می شود که قضیه به خشونت کشانیده شود؛ نه اینکه سه نهاد مهم در مورد این فکر بکنند که کدام فرد واجد شرایط کمیسیون انتخابات است و کی واجد شرایط نیست.

او هم چنان، بزرگترین مانع به سر راه اصلاحات انتخاباتی را نبود اراده سیاسی دانسته، گفت: هیچ نقطه پشنهادی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی از طرف دولت عملی نشد است و داد گاه ویژه انتخاباتی که به تخلفات و انتخاباتی رسیده گی می کرد، در ترکیب جدید در نظر گرفته نشده است.

هم چنان، مسوولان شبکه اکسین با به خوانش گرفتن قطعه نامه یبمینی به تغییرات در کمیته گزینش و سهل انگاری دولت در تطبیق پشنهادات کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی؛ نگرانی خود را اعلام کردند.

در این قطعه نامه آمده بود، نهادهای جامعه مدنی افغانستان (اکسین) که روند اصلاحات انتخاباتی را دنبال می کند؛ از بن بست به وجود آمده و تغییرات اخیر در کمیته گزینش که یک اقدام خلاف طرح پشنهادی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی می باشد؛ سخت نگران است.

دولت در تطبیق بسته ...

اعضای و روسای شورای ملی، رییس دادگاه عالی و دادستانی کل حین تصدی وظیفه نمی توانند به مشاغل دیگر اشتغال ورزند.

آقای ریگستانی بیان داشت که چگونه ممکن است رییس پارلمان و رییس مجلس سنا در عین زمان که فرمان تقنینی رییس جمهور را تصویب می کنند، خود عضو کمیته اجرای قانون باشند. وظیفه شورای ملی تصویب قانون است نه این که عضو کمیته اجرای قانون باشد و شأن این سه قوه اجازه نمی دهد که عضو کمیته اجرایی شوند.

اما، در حال حاضر، رییس مجلس نماینده گان، رییس مجلس سنا و رییس دادگاه عالی، نماینده یی از کمیسیون حقوق بشر، نماینده جامعه مدنی و شبکه زنان به اساس فرمان رییس جمهور به حیث کمیشنران کمیته گزینش گماشته شده اند.

آقای ریگستانی با بیان این که ما از روسای شورای ملی، رییس دادگاه عالی و دولت افغانستان می خواهیم که قانون شکنی نکنند، گفت: آنچه کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی به دولت پشنهاد کرده بود، یک کمیته فنی بود نه سیاسی، در حال حاضر کمیته گزینش به یک کمیته سیاسی تبدیل گردیده است.

او گفت: سیاسی شدن این کمیته به افراد و مقامات کشور کمک می کند که در آن نفوذ داشته باشند و امکان دارد افراد دانسته و بی طرف در این کمیته قرار نگیرند.

در این قطعه نامه آمده بود که با کاهش نماینده های جامعه مدنی و افزایش نماینده های دولتی توازن که به اعتبار کمیته گزینش ضروری بود، از بین رفته و رعایت اصل شایسته سالاری را در روند گزینش کمیشنران جدید زیر سوال برده است.

در برخی دیگر از این قطعه نامه آمده بود، تعیین رییس مجلس نماینده گان، مجلس سنا و دادگاه عالی منحنیت اعضای کمیته گزینش در مخالفت صریح با ماده ۱۵۲ قانونی اساس بوده؛ می تواند به اعتبار حقوقی این کمیته صدمه برساند.

در این قطعه نامه ذکر شده که این مقطع زمان که یگانه راه به خاطر اعاده اعتبار از دست رفته مردم به کمیسیون انتخابات است، بی تفاوتی و سهل انگاری دولت مردان؛ کشور را به طرف بحران می کشاند.

هم چنان در این قطعه نامه که از طرف تیمورشان حکیمیار عضو شبکه اکسین به خوانش گرفته شد، آمده بود: شبکه اکسین از دولت می خواهد که هرچه زودتر زمینه روند اصلاحات انتخاباتی را مساعد ساخته و در گزینش کمیشنران اصل شایسته سالاری را در نظر بگیرد و از مردم، روسای شورای ملی، احزاب قدرتمند سیاسیو نهادهای جامعه مدنی می خواهد که از روند انتخابات شفاف حمایت نمایند.

هم چنان، یکی عضو دیگر این شبکه گفت: با حرکات نمایشی نمی شود اصلاحات در انتخابات ایجاد کرد، باید دولت به خاطر اعاده اعتبار دوباره مردم به کمیسیون انتخابات، اصلاحات لازم در این کمیسیون ایجاد کند.



فیسبوک نامه

حفیظ همیم



هغه دوستان چې پوهنتونونو ته کامیاب سوي دي ورته دې مبارک وي. د مبارکۍ ترڅنګ ورته یو څو مشورې هم ورکوم. ۱- استاد ته به نه وایاست چې زما په نظر دا خبره داسې ده. د استاد نظر ردول کېدای سي ستاسې د ناکامي لامل هم سي. دلته استادان معمولا له خپله نظره پرته د بل چا نظر ته په ښه سترګه نه گوري. ۲- د چپترونو محتوا ته مه گورئ، ښه پوښونه ورکوئ او د ازموینې لپاره یې ټکي په ټکي زده کړئ. تاسې باید پر دې پوه سئ چې استادانو ټول علم پخپلو چپتر کې راغونډ کړی دی او که مو له چپتره د باندې خبره وکړه نو سزا به یې وویئ. ۳- په چپترونو کې زیات و کمې خبرې راځي په هغو پسې سر مه ګرځوئ ځکه هر چپتر سلگونه ځله کاپي سوی دی نو د ماشینونو د رنگونو اثر او ځینې بې ټکو تورو ته ټکي ورکړي وي او له ځینو ټکي لرونکو هغو یې بې ټکو توري جوړ کړي وي چې د جملو محتوا یې سرچپه کړې وي. ۴- د چپتر تاریخ ته مه گورئ او مه هم د استادانو د علمي رتبو د اخیستلو په اړه کومه ورځ بحث کوئ. ۵- د یوه استاد په مخ کې به د بل استاد صفت نه کوئ ځکه استادان معمولا ډلې ډلې وي هسې نه چې کوم استاد ته مو د هغه رقیب ستایلی وي. ۶- که استاد وویل چې دېرس کاله کېږي ددې مضمون درس ورکوم، ددې مانا دا ده چې تاسې باید د هغه خبرې په پټو سترګو ومنئ، د نویو کشفیاتو، اختراعاتو او پرمختیایو په اړه ورسره بحث مه کوئ. ۷- کېدای سي پلار و زوی، پلار و لور، خسر و نکور، خسر و زوم دواړه پر تاسې درس ولري، له همدې امله د استادانو د مقرري پر تکلاره باندې بحث کول درته سردرد جوړولای سي. ډېر نور هم سته هغه به بیا درته ووايم

هوشمند فرارودی



امکان ندارد فساد در این کشور، از سوی فاسدان و دزدان از بین برود. کسانی که خود در فساد و رشوه و اختلاس سرتاپا غرقاند، نمی توانند علیه فساد و اختلاس قیام کنند. آنهایی که زنده گی و سرمایه شان از مجرای فساد و رشوه و اختلاس سامان یافته است، نه زمینه و امکان برای پیشرفت و امنیت و رفاه که موانع بزرگ ثبات و پیشرفت در این سرزمین هستند. عوامل اصلی پایداری و گسترش فساد نیز همین ها می باشند. سرمایه و پول حرام، شخصیت و صداقت و تعهد خلق نمی کند؛ بلکه انسان های متزلزل، چندپارچه و دروغ گو و فاسد باز تولید می کند، که بخش های دیگر جامعه را نیز ملوث و درگیر فساد و اختلاس می کنند. کسانی که از پول و لقمه حرام تغذیه شده اند، قطعاً ادامه دهند راه سلف و پیشکسوت خویش در این زمینه هستند. به غارت و دزدی و فساد ادامه می دهند.

عطیه مهربان

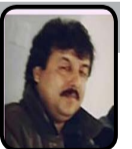


زنان غربی اگر امروز از هر حق فردی و اجتماعی مساوی با مردان برخوردار هستند، نتیجه زحمات، تلاش و حتا زندانی شدن و کشته شدن چند نسل قبل از خودشان است.

ما برای به دست آوردن حق مان و برای رسیدن به قدرت، باید آماده پرداخت هزینه اش باشیم و این هزینه را باید بپردازیم. همچنان با مظلوم نمایی زن و با هیولا معرفی کردن مرد نمی توانیم به هدف برسیم.

ما نباید از زن بودن خود و از حساسیت جامعه و جهان نسبت به قضایای زنان سوی استفاده کنیم.

عبدالحی خراسانی



مفسدین از شعار مبارزه با فساد استفاده سیاسی و ابزاری می کنند! در این که حکومت وحدت ملی ممکن است هزار و یک عیب داشته باشد، کمتر کسی تردید دارد، اما مسول تمام این وضعیت تأسفبار سرکھی پُر از آب- و شرم آور فقط رهبران حکومت وحدت ملی نمی باشند! مسولیت چنین چشم انداز مایوس کننده فقط شخص حامد کرزی هم نیست! بلی! البته این ها مقصر هستند و شکی در آن نیست، اما گنه کاران اصلی را در شهرداری کابل باید جست و جو کرد. مقصرین اصلی کسانی هستند که با زد و بندهای سیاسی شهرداران مفسد را بر پایتخت گماشتند! مسؤل اصلی کسانی هستند که بیشرمانه و با فشار قراردادهای اعمار سرکها را به شرکت صوری و اقوام و خویشان فاسد خود سپردند! گنه کاران اصلی شرکت های سازنده و ارگان های نظارت کننده هستند. اگر حکومت وحدت ملی با مردم و کشور صادق است، می بایست تمام شهرداران پایتخت از ابتدا عصر موافقت نامه بن تا امروز را مورد بازپرسی و تحقیق قرار دهد. اگر ما به جای مطبوعات و رسانه های سماروقی و چاپلوس رسانه های تحقیقی و ژرف نگر می داشتیم، تنها ظاهر را نمی دیدند، بلکه می رفتند دنبال قراردادهای شرکت های صوری و پیمان کاران و ارتباط کاری و قومی و خویشاوندی تمام مفسدین و آنها را بدون توجه به قومیت و جغرافیا و ارتباطشان افشا می کردند.

اولین کشتی حامل مهاجران از یونان به ترکیه حرکت کرد

پس از توافق اروپا و ترکیه یک کشتی اولین گروه از پناهجویان را از یونان به ترکیه بازگرداند. پس از توافق ترکیه و اتحادیه اروپا اولین کشتی حامل پناهجویان یونان را به مقصد ترکیه ترک کرد. اخیراً چندین مقام رسمی یونان اعلام کرده بودند که این عملیات احتمالاً از جزیره لسبوس آغاز شده و طی آن افراد با استفاده از اتوبوس از اردوگاهها به ساحل آورده شده و در آنجا سوار کشتی خواهند شد. عملیات اخراج دسته جمعی که پس از توافق اخیر بین ترکیه و اتحادیه اروپا از حمایت این نهاد اروپایی نیز برخوردار است منجر به خشونت در اردوگاههای مهاجرین در سراسر یونان شد. مقامات جزیره کیوس می گویند: چند صد نفر از مهاجرین از یکی از اردوگاههای پُرجمعیت خارج شده و در شهر اصلی این جزیره تجمع کردند. پس از آن و طی درگیری های مهاجرین سوری و افغانی نیز پنج نفر زخمی شدند.

افشاگری از «پول شویی عظیم» برخی سران کشورها



یک گروه بین المللی از خبرنگاران تحقیقی مدارک تازه ای از «پول شویی های» عظیم برخی از سران کشورها و همین طور افراد سرشناس ورزشی و سیاسی منتشر کرده است که می تواند از بزرگترین افشاگری ها در نوع خود در تاریخ به شمار بیاید.

این گروه خبر از افشای مدارک مالی یک شرکت حقوقی بین المللی می دهد که مقر آن در پاناما، در امریکا مرکزی است. از این شرکت حقوقی پانامایی که موساک فونسکا (Mossack Fonseca) نام دارد یازده میلیون سند افشا شده است. بنابر این گزارش، این شرکت به ثروتمندانی از سراسر جهان کمک می کند تا برای پرداخت نکردن مالیات، پول های شان را در کشورهای دیگر ذخیره کنند. از میان نام های افشا شده از مدارک این شرکت می توان به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، پاولو لازارنکف، نخست وزیر سابق اوکراین، لیونل مسی، بازیکن فوتبال، و پترو پرسنکوف، رئیس جمهور فعلی اوکراین نام برد. این گروه از خبرنگاران تحقیقی که «آی سی آی جی» (ICIJ) نام دارد، می گوید که برای دست یافتن به این اطلاعات ایمیل های مربوط به بیش از ۴۰ سال گذشته و جزئیات گذرنامه های افراد زیادی را بررسی کرده است.

گروه «آی سی آی جی» که یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن دی سی، پایتخت امریکا است، یافته های خود را در قالب گزارشی به نام «برگه های پاناما» منتشر کرده است.

این مدارک که به «برگه های پاناما» معروف شده اند به ردیابی پول شویی های افراد سرشناس از دهه ۱۹۷۰ تا بهار ۲۰۱۶ می پردازد. از زمان دست یابی به این مدارک، این روزنامه اطلاعات به دست آمده را با صد مؤسسه خبری و نزدیک به ۴۰۰ روزنامه نگار از ۸۰ کشور مختلف دنیا در میان گذاشته است.

بنابر گزارش ها، «برگه های پاناما» حاوی نام ۷۲ نفر از سران سیاسی کنونی یا سابق در سراسر جهان است. برخی از این افراد شامل دیکتاتورهای سرشناس هم می شوند. این اطلاعات شامل جزئیات شرکت هایی است که به خانواده های دیکتاتور سابق مصر، حسنی مبارک، معمر قذافی، دیکتاتور لیبی و همین طور بشار اسد، رئیس جمهوری فعلی سوریه مربوط اند.

این گزارش همچنین حکایت از پول شویی میلیارد دلاری توسط یک بانک روسی وابسته به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، هم دارد. گروه «آی سی آی جی» می گوید: شبکه ای از نزدیکان ولادیمیر پوتین را کشف کرده است که در پول شویی بیش از دو میلیارد دلار دست دارد. دست اندرکاران این گزارش تحقیقی گفته اند که از دولت روسیه درخواست کرده اند تا موضع خود را در قبال یافته های آن ها اعلام کند، اما با پاسخ منفی کرملین مواجه شده اند.

با این همه، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین خبرنگاران را متهم کرد که به دنبال خدشه دار کردن چهره ولادیمیر پوتین، هستند. در بخش دیگری از این اسناد به شرکت هایی با فعالیت های مشابه اشاره شده که نخست وزیران ایسلند و پاکستان، فرزندان رئیس جمهوری آذربایجان، پادشاه عربستان سعودی و برخی دیگر از شخصیت های جهانی آن ها را اداره می کنند. این گزارش تاکنون از سوی چندین مؤسسه خبری به زبان های مختلف منتشر شده است.

عضو تیم ملی توکوندو: واسطه داران به مسابقات جهانی راه می یابند



گفتگو از: ننگیالی عثمانی

در نخست اگر خودتان را معرفی کنید؟

احمد رومان عباسی از ولایت پروان هستم، در یکی از دانشگاه های خصوصی دانشجو هستم همچنان عضو تیم ملی توکوندو و قهرمان المپیک آسیا نیز می باشم. مدت دوازده سال می شود که سرگرم ورزش در رشته توکوندو هستم و به مدت هفت سال هم با معیارهای جهانی تمرین کرده ام. در سال ۲۰۱۱ به صورت رسمی عضویت تیم ملی توکوندوی کشور را کسب کردم.

تا به حال چقدر دست آورد داشته اید؟

۳۵ سفر خارجی دارم. درشت ترین سفرهایم یکی در سال ۲۰۱۰ بود که مدال طلا از کشور ایران به دست آوردم. در سال ۲۰۱۲ مدال نقره را از کشور اردن به نفع کشور کسب کردم. در سال ۲۰۱۴ مدال برنزی را نیز از کشور کوریا به دست آوردم و در نهایت، در سال ۲۰۱۵ از کشور تاجکستان یک مدال طلا شامل دست آورده ایم گردید.

به باور شما فدراسیون توکوندو چه چالش ها و مشکلات فراراه خود دارد؟

حالت ورزش توکوندو در افغانستان روز به روز خراب می شود، افرادی که واسطه دارند می توانند به مسابقات خارجی اشتراک کنند، اما این امکان برای کسانی که واسطه و پول نداشته باشند، دشورا است؛ اشخاصی که با رییس فدراسیون یا یکی از سیاستمدارها و آدم پولداری رابطه داشت باشد، شانس بیشتری برای اشتراک در مسابقات برون مرزی دارند. به گونه مثال، در میان بهترین های توکوندو جهان من در مقام ۴۸ قرار داشتم و روح الله نیکپا در مقام ۱۵۰، به مرور زمان به دلایل نامعلوم از سفرهای خارجی محروم می شدم، اما فدراسیون توکوندوی افغانستان روح الله نیکپا را به سفرهای مختلف می فرستاد، به همین دلیل حالا به درجه بسیار بدی قرار گرفته ام.

فدراسیون توکوندوی افغانستان عضویت جهانی دارد، چرا ریاست فدراسیون های جهانی توکوندو در قسمت ورزشکاران افغانستان بی توجه است؟

به دلیل این که ریاست فدراسیون های جهانی مستقیم با رییس فدراسیون در ارتباط است نه با تک تک ورزشکاران، بنابراین این که من بتوانم به مسابقات خارجی اشتراک کنم، باید از سوی رییس فدراسیون توکوندوی افغانستان به نهادهای بین المللی معرفی شوم.

با آن که از فدراسیون توکوندوی افغانستان ناراض هستید، خواستتان از این فدراسیون چیست؟

از فدراسیون توکوندوی افغانستان می خواهم که برای راهیابی در مسابقات سهمیه المپیک ۲۰۱۶ برازیل، نخستین میان من و روح الله نیکپا مسابقه را راه بیندازند، هر که برنده شد در این مسابقات اشتراک کند، چون من باور دارم که فدراسیون از روح الله به دلایلی که من نمی دانم حمایت می کند ولی از من نه.

پیامتان برای جوانان به ویژه آنان جوانانی که ورزش نمی کنند چیست؟

در نخست باید در زنده گی خود کردار نیک و پسندیده را در خود پرورش دهند و از رفتارهای ناشایست و غیراخلاقی دور باشند، این امکان توسط ورزش میسر است و می توانند از این طریق این کار را کنند. در قدم دوم، هدف زنده گی را برای خود مشخص بسازند. اگر ورزش نمی کنند ورزش کنند و اگر ورزش می کنند تلاش کنند حرفه و معیاری ورزش کنند تا از این طریق به کشور و مردم خود افتخار و پیروزی کسب کنند.

غربت قند پارسی در کشور ۷۲ ملت

دارد که تاکنون پاسخ مناسبی به آن داده نشده است. استادان زبان فارسی در هند اگر چه تلاش فراوانی برای گسترش زبان فارسی کرده اند اما آنگونه که باید بر تاریخ، فرهنگ، تمدن و هنر فارسی تسلط ندارند و لازم است استادان زبان فارسی از ایران، آنها را یاری کنند. دانشگاه‌های علیگر، دهلی، جواهر لعل نهرو، جامعه ملی اسلامی، کشمیر، لکنو، بنارس، پتنا، بوپال، عثمانیه، بمبئی، گوهایتی، بی آرامیدکر (مظفرنگر) و مگد، از دانشگاه‌هایی هستند که گروه مستقل فارسی دارند. مراکز تحقیقات زبان فارسی نیز در دانشگاه‌های علیگر، مولانا آزاد، پتنا، مالیر کوتلا و احمدآباد، نیز فعالیت دارند. با این وجود هنوز آمار دقیقی از تعداد مراکز آموزش زبان فارسی در هند در دسترس نیست.

بسیاری از کارشناسان و علاقه‌مندان قند پارسی در هند با ابراز نگرانی از غربت زبان فارسی در این کشور پنهان خواستار توجه بیشتر به توسعه و رشد آن و کمک برای بازگشت به دوران اوج این زبان در شبه قاره هستند. دکتر محمدرضا خلیلی رایزن علمی و سرپرست دانشجویان ایرانی در هندوستان در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا در دهلی نو، از موافقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشورمان برای اعزام استادان زبان فارسی به هند خبر داد.

وی افزود: قرار است دانشگاه‌های هند نیاز خود را به استاد زبان فارسی اعلام تا نسبت به اعزام استادان ایرانی به این دانشگاه‌ها اقدام لازم صورت گیرد.

آقای خلیلی با اشاره به قدمت طولانی زبان فارسی در هندوستان و ضرورت حمایت‌های مالی، پژوهشی و علمی از بخش‌های زبان فارسی در این کشور، اظهار کرد: در سال‌های اخیر شاهد کاهش فعالیت برخی دپارتمان‌های زبان فارسی در تعدادی از دانشگاه‌های هندوستان بوده‌ایم و حتا برخی از آنها تعطیل و در بخش‌های دیگر ادغام شده است.

وی افزود: دانشگاه‌های حیدرآباد، دهلی، علیگر، بمبئی و کشمیر از جمله دانشگاه‌های معتبر هندوستان است که در اولویت اعزام استادان زبان فارسی قرار دارند.

دکتر «چندر شکر» رییس بخش فارسی دانشگاه دهلی نیز می‌گوید: از حدود ۱۵۰ سال پیش با حضور انگلیس در هند، زبان فارسی که زبان رسمی هندوستان بود جای خود را به زبان انگلیسی داد ولی با این وجود زبان فارسی همچنان از اعتبار و جایگاه ویژه ای در هندوستان برخوردار است.

او افزود: درحال حاضر در بیش از ۵۰ دانشگاه هند زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و در چندین دانشگاه این کشور نیز بخش مستقل زبان فارسی وجود دارد.

به گفته او، آنچه امروز موجب نگرانی شده جذب تعدادی از دانشجویان بخش فارسی به دیگر زبان‌ها است زیرا دانشکده‌های زبان‌های خارجی به دانشجویان بورس‌های تحصیلی می‌دهند و این عامل باعث جذب دانشجویان زبان فارسی به این زبان‌ها شده است.

این استاد زبان فارسی در هندوستان بر ضرورت تشویق دانشجویان برای تحصیلی در زبان فارسی تاکید کرد و اظهار کرد باید با اختصاص بورس‌های تحصیلی و یافتن مشاغل مورد نظر زمینه جذب هرچه بیشتر دانشجویان به زبان فارسی فراهم شود.



وجود میلیون‌ها نسخه خطی ارزشمند به زبان فارسی در کتابخانه‌های هند، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، وجود صدها مرکز آموزش زبان فارسی و بیش از شش هزار دانشجوی فارسی‌زبان در این کشور از جمله فرصت‌های گسترش زبان فارسی در کشور ۷۲ ملت است.

در دوران سلطنت گورکانیان زبان فارسی به عنوان زبان اصلی اداری هند انتخاب شد و همه مکاتبات در آن زمان به زبان فارسی صورت می‌گرفت و همین علت آثار مکتوب و نسخ خطی زبان فارسی در اقصی نقاط کشور پنهانور هند بسیار وجود دارد.

در زمان تسلط انگلیس بر شبه قاره هند ابتدا زبان اردو و سپس زبان انگلیسی جایگزین زبان فارسی در این کشور شد.

کارشناسان می‌گویند: زبان رایج اغلب مسلمانان هند اردو است که حدود ۴۰ درصد از لغات و کلمات آن با فارسی مشترک است و این ظرفیت مناسبی برای گسترش زبان فارسی در هند است.

هند با بیش از ۲۰۰ میلیون مسلمان که تعداد زیادی از آنها با زبان اردو آشنایی دارند، فرصت بی نظیری را برای گسترش زبان فارسی بوجود آورده است.

از نکات قابل تأمل دربارهٔ افول جایگاه زبان فارسی در هند اینکه در برخی از دانشگاه‌های این کشور که در گذشته بخش مستقل زبان فارسی داشته است، اکنون بخش زبان فارسی به علت کاهش دانشجو به زیر مجموعه زبان‌های دیگر همچون اردو و عربی تبدیل شده و این روند ادامه دار، زنگ خطری برای علاقه‌مندان به فرهنگ و زبان فارسی در هند است.

درحال حاضر، تقاضاهای زیادی از سوی دانشگاه‌های هند برای اعزام استادان زبان فارسی و دریافت منابع آموزشی از ایران به این کشور وجود دارد.

ملت و قوم

به شناسنامه‌های الکترونیکی اضافه شد



سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری کشور اعلام کرده که کمیته قوانین کابینه دولت، مادهٔ جنجالی قانون ثبت احوال نفوس را تغییر داده و در صورت تصویب شورای ملی افغانستان توزیع شناسنامه الکترونیکی آغاز خواهد شد. بسیاری از شهروندان افغانستان دربارهٔ چگونگی ثبت ملیت یا قوم افراد اختلاف نظر دارند. شماری خواستار درج کلمه «افغان» در این شناسنامه‌ها هستند و بسیاری کلمه «افغان» را تنها به قوم پشتون نسبت می‌دهند و اعتقاد دارند درج این کلمه در شناسنامه‌های جدید، تحمیل هویت پشتون‌ها بر اقوام غیرپشتون در افغانستان است.

در صفحه رسمی فیس‌بوک معاون رییس جمهوری آمده است که در جلسه روز یکشنبه، ۱۵ حمل (فروردین) کمیته قوانین، این قانون مورد بحث و تعدیل قرار گرفته است. معاون دوم رییس جمهوری کشور گفته: «اختلاف نظر و اعتراض‌های موجود بر سر برخی از مواد این قانون، یکی از موانع اساسی در برابر فرآیند تطبیق قانون و توزیع تذکره الکترونیکی بوده و حکومت با توجه به اهمیت موضوع، با گروه‌های مختلف اجتماعی، مدنی و سیاسی برای حل مشکل «و تطبیق قانون مشورت کرده است او افزوده است که بر اساس اعتراض گروه‌های مختلف اجتماعی، تعدیل ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس و بر اساس طرح تعدیل تهیه شده، با اضافه شدن «ملت» و «قوم» در متن قانون و در صفحه اول شناسنامه می‌توان به این مشکل خاتمه بخشید.

آقای دانش افزوده که پس از تصویب تعدیل این ماده توسط شورای ملی افغانستان، روند تطبیق قانون ثبت احوال نفوس و توزیع شناسنامه الکترونیکی آغاز خواهد شد. آقای دانش نوشته که کمیته قوانین کابینه، ماده ششم قانون احوال نفوس را تعدیل کرده است دفتر ارتباط مردمی آقای دانش افزوده است که وزارت داخله و وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی نیز در این نشست گزارش داده که برای اجرای این قانون و روند توزیع تذکره الکترونیکی آماده‌گی کامل دارند

مشخصات قومی

مورد جنجالی در مورد شناسنامه‌های جدید، اختلاف نظر در مورد درج نام اقوام مختلف شهروندان افغانستان بوده است. شماری تأکید دارند که نام اقوام شهروندان در این شناسنامه‌ها ذکر شود و شماری هم تأکید می‌کنند که برای همه شهروندان تنها کلمه «افغان» استفاده شود

اما در جویزای سال ۱۳۹۲ مجلس نمایندگان افغانستان قانون ثبت احوال نفوس را تصویب کرد که بر اساس آن نام قوم و ملیت افراد در این شناسنامه‌ها درج نمی‌شود و به جای آن، مشخصات افراد به شمول قومیت آن‌ها، همراه با عکس چشم و انگشت‌نگاری، در مرکز اطلاعات وزارت داخله ثبت شود علاوه بر این‌ها بر اساس قانون، نام و نام خانوادگی، نام پدر، نام پدربزرگ، محل سکونت فعلی، سکونت اصلی، تاریخ و محل تولد دارنده شناسنامه الکترونیک نیز باید درج می‌شد.

معاونان سخنگوی دفتر ریاست جمهوری معرفی شدند

است.

شاه‌حسین مرتضوی از چند سال به این سو به عنوان سردبیر روزنامهٔ ۸ صبح کار می‌کرد. دفتر ریاست جمهوری می‌گوید که آقای مرتضوی تحصیلات عالی خود را در رشته حقوق و علوم سیاسی - روابط بین الملل به اتمام رسانیده و از فعالان رسانه‌یی به شمار می‌رود. دفتر ریاست جمهوری افزوده که شاه‌حسین مرتضوی به عنوان استاد خبرنگاری در موسسهٔ نی، میدیوتیک و نهاد سیاره نیز کار کرده است.

دوا خان مینه پال نیز از رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل فارغ شده و به حیث خبرنگار در رادیو آزادی و همچنان رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت قندهار و سرپرست ریاست کتابخانه‌های عامه ایفای وظیفه کرده است.



اشراف‌غنی رییس‌جمهور کشور، طی حکمی شاه‌حسین مرتضوی و دواخان مینه‌پال را به عنوان معاونین سخنگوی دفتر ریاست جمهوری معرفی کرده